

دوفصلنامه علمی تخصصی سلفی پژوهی، سال دوم ♦ شماره ۳ ♦ بهار و تابستان ۱۳۹۵  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸ ♦ صفحات: ۶۹-۹۴

## جریان مکتب قرآن کردستان؛ قرائتی نو در سلفی گری

پیام عبدالملکی \*

مهدی فرمانیان \*\*

### چکیده

مکتب قرآن کردستان، حرکت جدیدی است که با ظهور فردی به نام «کاک احمد مفتی زاده» شروع شد و پس از او به صورت یک جریان درآمد. مفتی زاده افکار خاصی داشت که مریدان و شاگردانش مروج آن بوده اند. وی معتقد بود که در تمام جهان، هیچ کافری وجود ندارد و برخلاف تمامی ائمه اهل سنت، احادیث را مورد تشکیک قرار داده و ادعای از نو بررسی شدن آنها را داشت. باید گفت که در افکار او، ترویج سلفی گری، بی مذهبی و نفی تقلید به وضوح یافت می شود؛ در واقع نظریات مکتبی ها در مباحثی چون توحید و شرک، توسل، طلب شفاعت، سماع موتی، بنای بر قبور و... شباهت زیادی به عقاید سلفی ها دارد.

**کلیدواژه ها:** مکتب قرآن، کردستان، احمد مفتی زاده، سلفی گری، توحید و شرک.

---

\* دانش آموخته مؤسسه کلام و دانش آموخته مؤسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم السلام).

\*\* دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

## مقدمه

امروزه دنیای اسلام شاهد به وجود آمدن جریانات مختلفی است که هر یک قرائتی متفاوت از دین ارائه می‌دهند. از مهمترین جریان‌هایی که در این زمان با آن روبرو هستیم، جریان سلفی‌گری است. این تفکر را ابن تیمیه در قرن هشتم بنا نهاد که در اثر گذر زمان دست‌خوش تغییراتی گردید. گروه‌های مختلفی نیز در زمان‌های گوناگون، با عقیده سلفیت سر برآورده‌اند که ریشه‌های آن را می‌توان در طول تاریخ مشاهده کرد. می‌توان گفت که گذشت زمان، باعث ایجاد افراط و تفریط‌های زیادی در برخی گروه‌های سلفی شده است.

یکی از جریان‌هایی که چند سالی است در استان‌های غربی ایران رشد نموده، جریان "مکتب قرآن" است؛ گرچه آنها در برخی زمینه‌ها با دیگر سلفی‌ها تفاوت‌های اساسی دارند، اما باورهای سلفیت در افکار آنان نیز یافت می‌شود.

این تفکر که به نام مکتب قرآن کردستان شناخته می‌شود، توسط شخصی به نام "احمد مفتی‌زاده" پایه‌ریزی شد و بعد از او، توسط شاگردانش ادامه پیدا کرده و اکنون در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی طرفدارانی دارد. متأسفانه تا به حال، در زمینه تحلیل و بررسی جریان مکتب قرآن کردستان، کار چندانی صورت نگرفته است؛ اما در این مقاله سعی بر آن است که افکار سلفی مکتب قرآن کردستان، مورد بررسی قرار گیرد.

## تاریخ مکتب قرآن

مکتب قرآن، تحت تاثیر فعالیت‌های فردی به نام "کاک‌احمد مفتی‌زاده" در استان کردستان به وجود آمد. مفتی‌زاده در سال ۱۳۴۱ ه.ش، به اتهام عضویت در حزب دموکرات به زندان افتاد. گویا او در زندان خواب‌هایی دیده که منشأ تغییرات اساسی فکری در وی گردیده است. او در زندان به این نتیجه می‌رسد که بزرگترین درد بشریت به طور عموم، دور شدن آنها از قرآن و



سنت است. پس از مدتی کاک احمد از زندان آزاد می‌شود و فعالیت دینی خود را از سال ۱۳۴۲ ه.ش، در مسجد سید مصطفی سنندج آغاز می‌کند.<sup>۱</sup>

کاک احمد در سال ۱۳۵۵ ه.ش، به سمت حاکم شرعی کردستان منصوب گردید.<sup>۲</sup> او در سال ۵۶، ابتدا در مریوان و سپس در سنندج، مدرسه‌ای به نام «مدرسه قرآن» تأسیس نمود. کاک احمد با تاثیر از سید قطب و مودودی، جامعه کنونی مسلمانان را جامعه جاهلی یا شبه جاهلی می‌دانست؛ لذا به امر تشکیل حکومت برای پرورش انسان‌ها اهتمام خاصی داشت.<sup>۳</sup> او از سال ۱۳۵۶، همزمان با راهپیمایی و تظاهرات مردم علیه رژیم شاهنشاهی، رهبری تظاهرکنندگان سنندج را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۵۷ که انقلاب ایران وارد مرحله جدیدی شد، او نیز برنامه‌های مدرسه قرآن را به طور موقت تعطیل کرد و با رژیم شاهنشاهی به مقابله پرداخت.<sup>۴</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کاک احمد خواهان مسائلی بود که با مسئولین در میان می‌گذاشت و برای تحقق آنها تلاش زیادی می‌کرد.<sup>۵</sup> پس از آنکه مفتی زاده متوجه شد که در مسیر انقلاب به خواسته‌های خود نمی‌رسد، در آبان سال ۱۳۵۸، وظیفه خود را، کناره‌گیری از سیاست و قطع رابطه با حکومت دانست. اوایل آبان ۵۸، کاک احمد با جمعی از یارانش از سنندج به کرمانشاه هجرت نمود و در سال ۱۳۵۹، مدرسه قرآن را به نام «مکتب قرآن» تغییر داد.<sup>۶</sup>

در ۱۲ و ۱۳ فروردین سال ۱۳۶۰، با دعوت احمد مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز از سیستان و بلوچستان، جمعی از علما و صاحب‌نظران اهل سنت، در تهران گردهم آمدند و شورای مرکزی سنت (شمس) را تشکیل دادند. هدف از تشکیل این شورا، پیگیری مسائل و حقوق اهل سنت ایران بود. سالگرد تأسیس شورای شمس، در ۱۴ و ۱۵ مرداد

۱. سایت اصلاح؛ مکتب قرآن، چگونگی تأسیس، اهداف و برنامه‌های آن، سایت نوگرا. <http://eslahe.com/15943>

۲. وه فاداران؛ کاک احمد و حاکم شرعی کردستان، مکتب قرآن. <http://maktabquran00.blogfa.com/post/9>

۳. مولود بهرامیان؛ مروری گذرا بر خطوط کلی افکار کاک احمد مفتی زاده، سایت نوگرا. <http://eslahe.com/22493>

۴. سایت اصلاح؛ مکتب قرآن، چگونگی تأسیس، اهداف و برنامه‌های آن، سایت نوگرا. <http://eslahe.com/15943>

۵. از جمله نسبت به اصل دوازدهم قانون اساسی، مبنی بر اینکه مذهب رسمی کشور شیعه اثنی عشری باشد، اعتراض داشت.

۶. سایت اصلاح؛ مکتب قرآن، چگونگی تأسیس، اهداف و برنامه‌های آن، سایت نوگرا. <http://eslahe.com/15943>



۱۳۶۱، در کرمانشاه (منزل کاک احمد) تشکیل شد. محتوای جلسه، انتقاد از نظام به خاطر کم توجهی به اهل سنت و درخواست رسیدگی به مطالبات آنان بود. چند روز پس از این جلسه، افراد حاضر در جلسه -از جمله کاک احمد- راهی زندان شدند.<sup>۱</sup>

سرانجام احمد مفتی زاده در تاریخ ۱۳ مرداد ۷۱، پس از ۱۰ سال از زندان آزاد شد و در تاریخ ۲۰ بهمن همان سال، بر اثر بیماری از دنیا رفت.<sup>۲</sup> فوت مفتی زاده بر پیکره مکتب قرآن آسیبی جدی وارد آورد و به تدریج، میان مریدان او اختلاف به وجود آمد. دلیل این اختلاف، قرائت متفاوت شاگردان او از تفکر کاک احمد بود و به همین دلیل، مکتب قرآن به دو گروه اکثریت و اقلیت تبدیل شد. پس از مفتی زاده، شاگردانی چون فاروق فرساد، حسن امینی و سعدی قریشی افکار او را ادامه دادند. مکتب قرآن کردستان در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... فعالیت‌هایی دارد و تمامی تصمیمات بر مبنای برداشت مفتی زاده از کتاب و سنت اتخاذ می‌شود.<sup>۳</sup>

### عقاید مکتب قرآن

با کنکاش در عقاید و افکار مکتب قرآن، عقاید سلفیت به خوبی مشهود می‌باشند. مکتب قرآن در بسیاری از مباحث کلامی، مانند توحید و شرک، توسل، طلب شفاعت، بنای بر قبور و... با سلفی‌ها هم عقیده هستند؛ اما در برخی مسائل، مانند ایمان و کفر و نفی بسیاری از احادیث نیز، دارای رویکردی نو بوده و با سلفی‌ها، تفاوت اساسی دارند. در ادامه اشاره‌ای به دیدگاه آنان در مباحث ایمان و کفر و رویکردشان نسبت به احادیث داشته و سپس به بیان عقاید سلفی گرایانه آنان می‌پردازیم.

۱. گفتگوی احسان هوشمند با حسن امینی؛ مجله چشم‌انداز ایران، دومین ویژه‌نامه کردستان، پاییز ۱۳۸۴ برگرفته از سایت اصلاح و دعوت: <http://eslahe.com/15943>

۲. همان

۳. پاریزه ران، تشابه منزل کاک احمد مفتی زاده با حسینیه‌ها، سایت مکتب قرآن،

<http://fa.maktabquran.com/2015/01>

## الف) ایمان و کفر

یکی از تفکرات خاص مفتی زاده، دیدگاه وی در زمینه ایمان و کفر است. او در تعریف کفر می گوید: کفر به این معنی است که انسان آگاهانه حق را بفهمد و درک کند، ولی از آن متنفر باشد و در برابرش بایستد.<sup>۱</sup> او معتقد است، اگر دین به صورت درست و کامل عرضه گردد و همراه چنین عرضه‌ای، شاهد (نمونه عینی) دین هم موجود باشد، آنگاه کسی که با علم و عمد آن را انکار کند، کافر خواهد بود.<sup>۲</sup>

مفتی زاده معتقد بود که قرنهاست اسلام، "کما هو اسلام" عرضه نمی‌شود و به همین جهت در دنیا کسی را نمی‌توان یافت که کافر باشد! او می‌گوید: تنها در صورتی می‌توانیم کسی را کافر بخوانیم که در یابیم نسبت به او، حجت تمام شده است؛ یعنی آن اندازه به اسلام و مکتب و نظام مقابل آن، به آگاهی و شناخت رسیده، که درستی اسلام و نادرستی نظام یا مکتب مخالف آن را درک کرده است؛ با این حال، آگاهانه و با سوء نیت و به خاطر آمال و تعلقات و روابطی که دارد، به مقابله با اسلام برخیزد و در تاریکی و جهل و ناآگاهی مردم، راه نادرست خود را ادامه دهد. اما اگر در شناساندن اسلام راستین به جامعه و یا حصول شناخت خصوصی برای فرد، تردید باشد، مخالفت اشخاص با اسلام، کفر به حساب نمی‌آید.<sup>۳</sup>

مفتی زاده به علت عدم تبیین و عرضه عملی اسلام، قائل به دوران فترت و عدم اتمام حجت بر مخاطبان بود. در همین راستا، صفت صدق، اخلاص و حقیقت‌طلبی در اعتقاد و ایمان دینی را، عامل نجات می‌دانست. به عبارت دیگر، وی قائل به پلورالیسم نجات بود. او حتی پیروان ادیان و شرایع دیگر را نیز در صورت وجود صفات مذکور، اهل نجات می‌دانست.<sup>۴</sup>

۱. مفتی زاده، احمد؛ ایمان و کفر (۱)، سایت نوگرا، <http://eslahe.com/992>

۲. دهقان زاده، محمد صالح؛ کافر کیست؟ کفر چگونه واقع می‌شود؟ از دیدگاه علامه احمد مفتی زاده، سایت نوگرا،

<http://eslahe.com/14879>

۳. مفتی زاده، احمد، درباره کردستان، ص ۱۲۴، <http://www.aparat.com/v/oINMa>

۴. مفتی زاده، احمد؛ ایمان و کفر (۱)، سایت نوگرا، <http://eslahe.com/992>



مکتب قرآن با توجه به آموزه‌های مفتی زاده، نسبت به تکفیر دیگران رویکردی انکاری دارد. در معرفی نامه مکتب قرآن چنین آمده است:

مکتب قرآن کردستان، تمامی مسلمانان، با هر سلیقه و گرایشی را به حکم ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ برادر دینی خود می‌شمارد و آماده است تا براساس ضوابط دینی، با هر مسلمانی تعامل و همکاری داشته باشد؛ به علاوه با غیر مسلمانان و در قبال پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به تسامح و تساهل باور دارد و معتقد است که، ارباب ادیان و پیروان مذاهب گوناگون و غیر معاند با اسلام، صرف نظر از هرگونه اعتبار و موقعیت اجتماعی، قابل احترام می‌باشند.<sup>۱</sup>

مکتبی‌ها در زمینه تحمل دیدگاه مخالفان معتقدند، هنگامی که پای به حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی می‌گذاریم، با ده‌ها مذهب فقهی و کلامی موجود و منسوخ و تعداد قابل توجهی از مشرب‌های عرفانی و طریقت‌های تصوف مواجه می‌شویم که خود، بارزترین شاهد، بر اجتناب ناپذیر بودن تکثر می‌باشند. هنگام تأمل در رفتار پیروان این مذاهب با یکدیگر، درمی‌یابیم که جز معدودی نادان، هیچ‌کدام نه تنها همدیگر را سب و لعن و تکفیر نکرده، بلکه در کمال تفاهم و مسالمت در کنار هم زیسته‌اند. آنگاه که کتاب تاریخ بشر را ورق می‌زنیم و اوراق سیاه جنگ و جدال‌های عقیدتی و مذهبی را ملاحظه می‌کنیم، بی‌گمان سرچشمه تمام این درگیری‌ها را در نادانی، مطلق‌نگری، انحصارطلبی و خودخواهی برخی پیروان نادان ملل و نحل می‌یابیم؛ کسانی که اندیشه‌های دیگران را تحمل نکرده و فضای سالم ابراز و تعاطی افکار را به میدان نقار و دشمنی تبدیل می‌کنند.<sup>۲</sup>

رویکرد تقریبی و هم‌گرایی مکتب قرآن، از نکات مثبت آنان می‌باشد؛ چراکه مهم‌ترین راه برون‌رفت از مشکلات جهان اسلام و نجات از افراط موجود در میان مسلمین، تحمل عقیده مخالف می‌باشد. مفتی زاده معتقد بود، تکفیر بعضی از فرقه‌های اسلامی پایبند و معتقد به اصول عقاید اسلامی (هرچند به طور آشفته)، خلاف موازین اسلامی است؛

۱. مختصری درباره‌ی ما [https://t.me/maktab\\_quran\\_kurdistan](https://t.me/maktab_quran_kurdistan)

۲. مختصری درباره‌ی ما، کانال تلگرامی مکتب قرآن کردستان، [https://t.me/maktab\\_quran\\_kurdistan](https://t.me/maktab_quran_kurdistan)

یعنی اگر مسلمانی بدون عمد، حتی توحیدش هم، آلوده به انواع عقاید و طرز تفکرهای شرک‌آمیز باشد، نه می‌توان عقیده‌اش را کفر شمرد، و نه خود او را کافر دانست. زیرا کفر (یا نفاق و شرک و...)، عدم پذیرش قلبی و آگاهانه، پس از حصول شناخت و معرفت است.<sup>۱</sup>

امروزه که جوامع اسلامی دچار افراط شده و عده‌ای به راحتی به تکفیر و کشتار مسلمانان می‌پردازند، رویکرد هم‌گرایی و تحمل عقیده مخالف، یکی از نیازهای اساسی برای کاهش مشکلات موجود است. یکی از اصول و ارزش‌هایی که اسلام، مردم را به آن فرا می‌خواند، تسامح و مدارا با مخالفین - حتی غیر مسلمانان - و تعامل با آنان، با روشی کریمانه و روحیه‌ای بدون تعصب و کینه است؛ چراکه خداوند می‌فرماید: خداوند شما را باز نمی‌دارد از اینکه نیکی و بخشش کنید با کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شما را بیرون نرانده‌اند.<sup>۲</sup> رفتار پیامبر ﷺ با کفار، پس از فتح مکه نیز شاهدهی بر این امر است.

### ب) نفی حدیث

یکی از مشخصات مکتب قرآن، رویکرد انکاری در مورد بسیاری از احادیث است. جمع بین این رویکرد با افکار سلفیت در نوع خود بی‌سابقه است؛ چراکه سلفی‌ها از اصحاب حدیث بوده و به احادیث، اعتنای ویژه‌ای دارند. مفتی‌زاده بسیاری از احادیث را رد کرده و معتقد است که باید احادیث را از نو بازننگری کرد؛ زیرا تمام فرقه‌ها به طور بی‌حساب، از زبان حضرت رسول ﷺ دروغ گفته‌اند.<sup>۳</sup> او بررسی جدید تمام احادیث را از آمال خود می‌دانست.<sup>۴</sup>

۱. پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی مکتب قرآن کردستان؛ درباره مکتب قرآن کردستان، سایت نوگرا، <http://eslahe.com/583>

۲. ممتحنه، آیه ۸.

۳. مصاحبه يك برادرشيعي با كاك احمد. [http://masnaw.cast.ir/files/masnaw/2010-12-07\\_28--b.mp3?id=1](http://masnaw.cast.ir/files/masnaw/2010-12-07_28--b.mp3?id=1)

۴. او یکی از وظایف انقلاب اسلامی را بررسی احادیث دانسته و گفته است: «بکوشیم این حرکت ایران به یک انقلاب اسلامی تمام‌عیار بیانجامد. تنها در صورتی این حرکت تبدیل به انقلاب کامل اسلامی می‌شود که، نقد و بررسی آرا و نظرات تمام دانشمندان و نیز ارزیابی احادیث را با تطبیق مجدد و دقیق و بدون تعصب با قرآن شروع کنیم. این اقدام بزرگترین انقلابی خواهد بود که پس از قرن‌ها تفرق و مذهب‌گرایی ما را بسوی وحدت برمی‌گرداند. (مفتی‌زاده، احمد، حکومت اسلامی، ص ۶۲).



یکی از شرایط احمد مفتی زاده برای قبول حدیث، عرضه آن بر قرآن بود. او طبق روایتی<sup>۱</sup> از رسول خدا ﷺ تمام احادیث را بر قرآن عرضه نموده و سپس می پذیرفت. مفتی زاده برای بررسی صحت یک روایت، مراحل و شروطی را بیان داشته که شروط راوی آن به شرح زیر می باشد:

۱. معرفت مقدر، به افکار و اخلاق و احوال و روش منسوب الیه (حضرت رسول ﷺ یا غیر ایشان)؛

۲. آشنایی مقدر، نسبت به شرایط و احوال محل مربوط به روایت؛

۳. علم به قرآن در حد مقدر هر زمان؛

۴. علم به موازین و اصول اسلامی در موضوعات مورد عنایت دین؛

اگر این راوی، روایتی را قبول کند، آنگاه نوبت به تحقیق درباره لفظ (ارزیابی درجه فصاحت و بلاغت و سبک) می رسد و بعد از این مرحله باید به ارزیابی سند پرداخت. اگر روایتی در مرحله اول و دوم مردود شد، دیگر پرداختن به مرحله بعد لازم نیست.<sup>۲</sup> روش پذیرش روایت نزد مفتی زاده، واژگون، و خلاف روش جمهور علماست. علمای اسلام در برخورد با یک روایت، ابتدا حدیث را از حیث سندی بررسی کرده و سپس به سراغ دلالت و مضمون آن می روند؛ در واقع باید پرسید، تا زمانی که استناد سخن مطرح شده به پیامبر ﷺ ثابت نشده است، چه نیازی است که به دلالت آن پرداخته شود؟ یعنی ابتدا باید ثابت شود که ایشان این سخن را گفته اند، سپس به مضمون آن رسیدگی شود؛ اگر روایت در مرحله سند دچار مشکل باشد، نیازی به بررسی محتوای آن نیست. مفتی زاده در بررسی نصوص، بیشتر به ذهنیات فرد محقق تکیه دارد و اخبار، به وسیله برداشت ها و پیش داوری های ذهنی او سنجیده می شوند.

۱. «فما أتاکم من حدیثی فاقروا کتاب الله، واعتبروه فما وافق کتاب الله فأنأقلته، وما لم یوافق کتاب الله فلم أقله» (طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۱۶).  
 ۲. مفتی زاده، احمد، مجموعه نامه های، شماره ۶.



طبق شرایطی که مفتی زاده بیان کرده، بسیاری از روایات کاربردی نداشته و دایره احادیث مورد اعتنا، بسیار اندک خواهد شد. مکتبی‌ها نیز دایره احادیث مورد قبول را بسیار اندک می‌دانند. قرآن می‌فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»<sup>۱</sup>. این ترغیب به بهره‌گیری از سنت است و اگر ما سنت را از دست بدهیم، در تمام مسائل با مشکل مواجه شده و قطعاً دچار بدعت خواهیم شد.

مفتی زاده معتقد است، اگر روایتی مخالف قرآن باشد، هرچند ظاهر آن از جهت سند و سایر شروط بی ایراد باشد، مطلقاً قابل بحث نیست؛ اما اگر روایت، سند درستی هم نداشته باشد، مطرح کردن آن از جهت معنی - به دلیل مقبول‌المعنی بودن - به شرطی که صراحتاً به پیغمبر ﷺ نسبت داده نشود، بی اشکال است.<sup>۲</sup>

مفتی زاده با بیان این شرایط، اکثر روایات مورد تأیید را رد نموده و در مواردی با فتاوی‌های مسلمان فقهای مذاهب اربعه به مخالفت می‌پردازد. او بسیاری از روایات قطعی را، به مجرد اینکه با تفکرش سازگاری ندارد، رد نموده است. با پذیرش این شروط، سلیقه اشخاص در قبول روایات، نقش زیادی داشته و هر روایتی که به مذاق خواننده خوش آمده و با فهم او سازگار باشد، معتبر و در غیر این صورت رد می‌شود. برخی از ادله متقنی که به مذاق مفتی زاده سازگار نبوده و رد شده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

۱. روایات مربوط به رجم؛<sup>۳</sup>

۲. روایات جانشینی پیامبر ﷺ؛<sup>۴</sup>

۱. حشر، آیه ۷.

۲. صلاح؛ مروری بر زندگی نامه احمد مفتی زاده، وبلاگ نقد اندیشه و عقاید کاک احمد مفتی زاده،

<http://www.radbedah.blogfa.com/post-1.aspx>

۳. او می‌گوید: روایات رجم را مطلقاً معتبر نمی‌دانم و حکم آن را مخالف قرآن و غیر اسلامی می‌دانم. (مفتی زاده، احمد، مجموعه نامه‌ها، شماره ۲). در این مورد مفتی زاده نه تنها با مذهب شافعی، بلکه با تمام مذاهب اهل سنت مخالفت کرده است؛ زیرا حکم رجم در زنا محصنه، از موارد اتفاقی تمامی مذاهب اسلامی است. این حکم، فتوی‌های خوارج است؛ زیرا آنان منکر رجم زنا محصنه به دلیل نبودن حکم آن در قرآن بودند.

۴. مفتی زاده، احمد، جزوه «اجتهاد» کاک احمد، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح،

<http://www.islahweb.org/node/2487>

۳. روایت (هن ناقصات العقل و الدین)؛<sup>۱</sup>

۴. برخی از فضائل اهل بیت علیهم السلام؛<sup>۲</sup>

مفتی زاده در بیان احادیث، التزامی به منابع اهل سنت نداشته و احادیث موجود در منابع شیعه، که مطابق میل وی بوده را نیز روایت کرده است. او در وصیت نامه خویش به فرموده امام جواد علیه السلام<sup>۳</sup> و امام کاظم علیه السلام<sup>۴</sup> استناد کرده و یارانش را به خواندن صحیفه سجادیه و دعای کمیل و... سفارش نموده است.<sup>۵</sup>

### افکار سلفی مکتب قرآن

افکار مکتب قرآن در بسیاری از مباحث اعتقادی چون توحید و شرک، توسل، طلب شفاعت، سوگند به غیر خدا، سماع موتی، بنای بر قبور و... دقیقاً مشابه عقاید سلفیت می باشد. برخی معتقدند که افکار متمایل به سلفیت در مفتی زاده، متأثر از دیدگاه های استادش "مردوخ" است؛ چراکه مردوخ متأثر از ابن تیمیه بوده است.<sup>۶</sup> استناد به قول سلف نیز در نوشته های مکتبی ها وجود دارد<sup>۷</sup> که در ادامه به برخی از عقاید مشترک آنان با سلفیت اشاره می کنیم.

#### ۱- توحید و شرک

یکی از شخصیت های مطرح در مکتب قرآن، "فاروق فرساد" است. افکار او- به عنوان شاگرد مفتی زاده- در میان مکتبی ها رایج است. فرساد معتقد است که، مشرکین در وجود

۱. او می گوید: روایت از رسوبات فرهنگ های امتیازاتی پیش از اسلام در جوامع جاهلی (ولو با رنگ دینی) است. (مفتی زاده، احمد، مجموعه نامه ها، شماره ۳).

۲. مصاحبه یک برادر شیعی با کاک احمد. [http://masnaw.cast.ir/files/masnaw/2010-12-07\\_28--b.mp3?id=1](http://masnaw.cast.ir/files/masnaw/2010-12-07_28--b.mp3?id=1)

۳. مفتی زاده، احمد، وصیت نامه، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۱۹.

۶. گفت و گو با قائم مقام مجمع تقریب؛ کردستان و فتنه مفتی زاده، خبرگزاری تقریب،

<http://taghribnews.com/vdca06n6649nwe1.k5k4.html>

۷. مختصری درباره ما، کانال تلگرامی مکتب قرآن کردستان، [https://t.me/maktab\\_quran\\_kurdistan](https://t.me/maktab_quran_kurdistan).

خدا اشکالی نداشتند و پیامبران برای اثبات وجود خدا نیامده‌اند. او می‌گوید: چند صفت از صفات الهی وجود دارد که پیامبران برای تفهیم آنها به مردم، مبعوث شده‌اند. از نظر او مردم باید قانون و برنامه تشریح و چگونگی زندگی کردن را از خدا یاد بگیرند؛ در واقع آمر زندگی‌شان، الله باشد. او معتقد است که انسان‌ها، در هنگام احتیاج مادی و معنوی‌شان، برای تحقق اسباب و جلب منفعت و دفع مضرت، فقط دل به خدا خویش ببندند و طلب کمک از او کنند؛ در واقع تنها فرمانروا و فریادرس زندگیشان خدا باشد که این دو تعبیر دقیقاً مترادف کلمه «اله» در عربی است.<sup>۱</sup>

فساد همانند سلفی‌ها منکر شرک ربوبی مشرکین بوده و محور اصلی دعوت انبیا را توحید الوهیت دانسته و می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»<sup>۲</sup>، بیان موضع عملی انسان مسلمان در مقابل توحید فرمانروایی است؛ یعنی حال که هیچ فرمانروایی به غیر از تو وجود ندارد، پس فقط عبادت و اطاعت بی‌قید و شرط تو را می‌کنیم. «إِيَّاكَ نُسْتَعِينُ» نیز بیان موضع عملی انسان مسلمان، در مقابل توحید فریادرسی است؛ یعنی حال که غیر از تو هیچ فریادرس توانایی وجود ندارد، پس فقط از تو کمک می‌طلبیم؛ در نتیجه اگر کسی بگوید که استعانت از غیر خدا درست است، باید از قرآن نمونه‌ای بیاورد که خداوند چنین اجازه‌ای داده است؛ نه اینکه بعد از اثبات فردی به عنوان ولی، نتیجه بگیرد که استعانت از او جایز است؛ زیرا در این صورت، میدان برای استدلال‌های پوچ و باطل باز خواهد شد.<sup>۳</sup> نفی استعانت از اولیای الهی و ادعای شرک بودن آن، از مشخصه‌های سلفی‌گری است. طبق ادعای مکتبی‌ها، صفت فریادرسی مانند صفت خالقیت، خاصّ خدای خالق مستعان است؛ زیرا به دلیل طغیان نکردن و ادعای الوهیت نداشتن بندگان، این صفت و توان را به هیچ‌یک از مخلوقات خود نداده است؛ در واقع فرقی هم نمی‌کند این بندگان مخلوق، انبیا و اولیا و یا غیر آنها باشند.<sup>۴</sup> این کلام، دقیقاً سخن سلفی‌ها در

۱. فاروق فرساد، استعانت، سایت فاروق فرساد، <http://www.farooq-farsad.blogspot.com/1390/07/28/post-2>

۲. حمد، آیه ۵.

۳. فرساد، فاروق، استعانت، سایت فاروق فرساد، <http://www.farooq-farsad.blogspot.com/1390/07/28/post-2>

۴. سوال درباره اینکه چرا گفتن یارسول الله ﷺ شرک است. <https://t.me/maktabqurani>



مسأله توحید و شرک است و در آثار ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و دیگران به خوبی نمایان است.<sup>۱</sup>

## ۲- توسل

جریان مکتب قرآن، در موضوع توسل نیز، دقیقاً افکار گروه‌های سلفی و وهابی را تکرار می‌کند. مسأله توسل به اموات از مسائل اختلافی بین سلفیت و دیگر مسلمانان است. سلفی‌ها با تاثیر از ابن تیمیه، توسل به اموات را جایز نمی‌دانند.<sup>۲</sup> حسن امینی،<sup>۳</sup> در مصاحبه با شبکه کلمه<sup>۴</sup> اظهار داشت: در منابع دینی سه نوع توسل ذکر شده است: ۱- توسل به اسماء الحسنی ۲- توسل به اعمال حسنه انسان ۳- توسل انسان به یک مؤمن دیگر که در قید حیات بوده و فوت نکرده باشد.<sup>۵</sup>

امینی با استناد به آیه «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا»،<sup>۶</sup> به طلب استغفار پسران حضرت یعقوب اشاره کرده و می‌گوید: پسران یعقوب می‌دانستند که حضرت ابراهیم از پدرشان بالاتر و بزرگ‌تر است؛ ولی چون مرده بود از او طلب استغفار نکردند. او به ماجرای توسل عمر به عباس عموی پیامبر ﷺ برای نزول باران اشاره کرده و می‌گوید: ما در میان متوفی و مردگان، از پیامبر ﷺ بالاتر و بزرگ‌تر نداریم. با آنکه قبر پیامبر ﷺ بسیار نزدیک بود، اما عمر به مرقد حضرت توسل نکردند. اگر این کار درست بود، عمر به جای اینکه پیش عموی پیامبر ﷺ برود، نزد قبر رسول الله ﷺ می‌رفت و می‌گفت: یا رسول

۱. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، درء التعارض بین النقل والعقل، ج ۹، ص ۳۴۴؛ ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة، ج ۳، ص ۲۹۸؛ ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، ص ۱۳.

۲. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، قاعدة جلیلة فی التوسل والوسيلة، ص ۱۶.

۳. بعد از مفتی زاده مکتب قرآن به دو گروه عمده تقسیم گشت. یکی از این گروه‌ها به مدیریت حسن امینی می‌باشد.

۴. حسن امینی چندین مرتبه با شبکه کلمه در ارتباط بوده است.

۵. مصاحبه حسن امینی با شبکه کلمه، سایت مفتی زاده،

http://www.moftizade.com/ar/27-kak-hasan-amini/interviews-and-letters/1932

۶. یوسف، آیه ۹۷.

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شما برای ما دعا کنید. این ماجرا بزرگ‌ترین و محکم‌ترین دلیل بر عدم جواز توسل به مرده از دیدگاه یاران رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و از دیدگاه مردمان خیرالقرون<sup>۱</sup> می‌باشد.<sup>۲</sup>

این موضوع که پسران یعقوب یا عمر به درگذشتگان توسل نکرده‌اند، دلیل بر نفی توسل به اموات نمی‌باشد؛<sup>۳</sup> چراکه در مقابل روایاتی که حسن امینی ذکر کرده، روایات زیادی داریم که توسل اصحاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از وفات ایشان را نشان می‌دهد. روایاتی چون بروز قحطی و رفتن صحابی (مالک الدار)،<sup>۴</sup> بر سر قبر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای استسقاء، بروز قحطی و دستور عایشه برای ایجاد شکافی بر قبر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،<sup>۵</sup> حضور اعرابی نابینا سر قبر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،<sup>۶</sup> عثمان بن حنیف<sup>۷</sup> و تعداد دیگری از روایات که بر توسل بعد از حیات دلالت دارند.

حسن امینی مدعی است که در کتب هیچ‌کدام از مجتهدین مذاهب اربعه اهل سنت - نه در کتاب أمّ یا الرّسالة شافعی، و نه در بقیه کتب ائمه اهل سنت - مسأله توسل به آن معنی که ادعا می‌شود وجود ندارد. او می‌گوید: توسل به مرده، توسل به قبر، در هیچ‌کدام از مذاهب اهل سنت موجود نیست. حتی در رأی بزرگان اهل تشیع هم نیست. حضرت باقر عجلایه از جدش حضرت علی عجلایه نقل می‌کند که فرمود:

«كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ، وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَدُونَكُمْ الْأَخْرُ  
فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي  
فَالْإِسْتِغْفَارُ».<sup>۸</sup> آن آمان و پناهگاهی که از دست رفته و از زمین گرفته شده است، پیامبر  
خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که از اینجا کوچ کرده است. اما آمان دوم که باقی و موجود هست،  
استغفار است.

۱. اصطلاح "خیرالقرون" در ادبیات سلفی‌ها رایج است.

۲. مصاحبه حسن امینی با شبکه کلمه، سایت مفتی زاده،

<http://www.moftizade.com/ar/27-kak-hasan-amini/interviews-and-letters/1932>

۳. اثبات شیء، نفی ماعدی نمی‌کند.

۴. ابن‌ابی‌شبیبه، عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۶، ص ۳۵۶.

۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۲۲۷.

۶. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم ج ۲، ص ۳۰۶؛ نووی، أبوزکریا، المجموع شرح المهدّب، ج ۸، ص ۲۷۴.

۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۰.

۸. ابن‌ابی‌الحدید، عزّ الدین بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۳۲۳.



حضرت علی علیه السلام می گوید: او رفت، او الان دیگر در میان مسلمانان نیست. حضرت علی علیه السلام در این دو مطلب، این طور توسّل را به ما یاد می دهد؛ اکنون که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از میان ما رفته است، دیگر امان و پناهگاه نیست و کسی نمی تواند به ایشان پناه ببرد.<sup>۱</sup>

فاروق فرساد نیز مانند حسن امینی تأکید دارد که، به غیر از این سه نوع توسّل، نوع چهارمی در کتاب و سنت وجود ندارد؛<sup>۲</sup> در حالی که مسلمانان قرن هاست، با استناد به ادله جواز توسّل،<sup>۳</sup> به این امر عمل نموده و بزرگان اهل سنت چون سبکی،<sup>۴</sup> سمهودی،<sup>۵</sup> قسطلانی<sup>۶</sup> و... با استناد به ادله متقن، در رجحان توسّل، هیچ تردیدی نداشته اند. روایتی که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده نیز، ارتباطی به توسّل نداشته و ناظر به آیه **﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾**<sup>۷</sup> است که می فرماید: دو چیز مانع عذاب است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و استغفار؛ حال که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفته است، به استغفار پناه ببرید.

### ۳- طلب شفاعت

یکی دیگر از نقاط اشتراک مکتب قرآن با سلفی ها در موضوع طلب شفاعت است. سلفی ها مانند دیگر مسلمانان شفاعت را به عنوان یک اصل اسلامی پذیرفته اند؛ اما در عین حال معتقدند، هرگز حق نداریم در این جهان از انبیا و اولیا طلب شفاعت کنیم. از

۱. مصاحبه حسن امینی با شبکه کلمه، سایت مفتی زاده،

<http://www.moftizade.com/ar/27-kak-hasan-amini/interviews-and-letters/1932>

۲. فرساد، فاروق، معنای توسّل، سایت فاروق فرساد،

<http://www.farooq-farsad.blogspot.com/1390/07/28/post-10/>

۳. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۴۴؛ بیهقی، أحمد، دلائل النبوة، ج ۷، ص ۴۷؛ سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۹۵.

۴. سبکی، علی بن عبدالکافی، شفاء السقام، ص ۲۹۳.

۵. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۹۳.

۶. قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیة، ج ۳، ص ۶۰۴.

۷. انفال، آیه ۳۳.



نظر سلفی‌ها، طلب شفاعت در دنیا از غیر خداوند شرک است. انسان تنها می‌تواند از خداوند درخواست شفاعت کند و در واقع، درخواست از شافعان، خواندن غیر خدا است.<sup>۱</sup> فاروق فرساد در رابطه با شفاعت گفته است: قرآن سه نوع آیه در مورد شفاعت دارد. دسته اول آیاتی هستند که می‌گویند: همه شفاعت‌ها از آن خداست. مانند: ﴿لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾.<sup>۲</sup> دسته دوم آیاتی هستند که عنوان می‌کنند، در قیامت مطلقاً هیچ شفاعتی نیست. مانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يُبْعِ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ﴾.<sup>۳</sup> دسته سوم نیز آیاتی هستند که به صورت مقید شفاعت را تایید می‌کنند. مانند: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ إِلَهِ يَأْذَنُ﴾.<sup>۴</sup> دسته سوم در واقع نوعی دعا برای تکریم خود آن بنده است. به عنان مثال، تو یک معلمی و دانش‌آموزی را که به درس توجه نمی‌کند و نظم کلاس را به هم می‌زند، از کلاس اخراج می‌کنی. مدتی که بیرون می‌ایستد متوجه می‌شوی که متنبه شده و تصمیم می‌گیری که او را به کلاس برگردانی؛ اما مستقیم عمل نمی‌کنی. شاگرد زرنگ و با اخلاق کلاس را صدا می‌زنی و می‌گویی: تو بیا خواهش کن که من او را ببخشم و به کلاس برگردانم. در اینجا تکریم و بزرگداشت شاگرد زرنگ کلاس شده و خلاف رأی تو نیز عملی انجام نشده است. خودت خواسته بودی که او را ببخشی ولی به خاطر تکریم شاگرد زرنگ، قضیه را منوط به خواهش او می‌کنی. در قیامت تک‌تک ما با کارنامه اعمالمان پیش خداوند حاضر می‌شویم. خداوند رو به ما می‌کند و می‌فرماید: ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ﴾؛<sup>۵</sup> سپس بدون کمترین اشتباهی نمره‌ات را می‌گیری. آنها نیز برای تو طلب نمره قبولی و ورود به بهشت می‌کنند؛ در واقع خداوند پیش از این، چنین تصمیمی را درباره تو گرفته است؛ اما به خاطر تکریم و احترام افراد فوق و با درخواست آنها، به تو ابلاغ می‌گردد و نسبت به خدا نیز، کمترین تغییر حکم و اراده

۱. ابن تیمیّه، أحمد بن عبدالحلیم، قاعدة جلیلة فی التوسل والوسيلة، ص ۲۵؛ ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، فی التوحید ص ۲۵.

۲. زمر، آیه ۴۴.

۳. بقره، آیه ۲۵۴.

۴. بقره، آیه ۲۵۵.

۵. اسراء، آیه ۱۴.



صورت نمی‌گیرد. در غیر این صورت چطور ممکن است، ما قائل به ﴿لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ﴾ باشیم، اما در عین حال بگوییم که فردی در قیامت بلند می‌شود و اراده و حکم خدا را تغییر می‌دهد.<sup>۲</sup>

براساس بیان فاروق فرساد، شفاعت مختص خداست و جایی برای طلب شفاعت از انبیا و اولیا باقی نمی‌ماند؛ چراکه حتی پیامبر ﷺ حق درخواست و شفاعت را ندارد. اساساً شفاعت از ابتدا حق خداوند بوده و با خواست او انجام می‌شود. جالب این است که سلفی‌ها طلب شفاعت در حال حیات را قبول دارند؛ اما طبق سخن فرساد، حتی در حال حیات پیامبر ﷺ نیز نمی‌توان از او درخواست شفاعت نمود؛ چراکه به هیچ‌وجه، شفاعت فعل پیامبر ﷺ نیست. طبق این اعتقاد، تصمیمات شافعین به خداوند فشار می‌آورد و نعوذبالله، عرصه را بر خداوند تنگ می‌کند.

باید متذکر شویم، آنچه شرک محسوب می‌شود و توحید عبادی و توحید افعالی را مخدوش می‌سازد، این است که ما وقتی طلب دعا و یا شفاعت از غیر خدا می‌کنیم، او را قادری مستقل بدانیم؛ اما باید گفت که شفاعت این‌گونه نیست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾.<sup>۳</sup> در این آیه موضوع آن است که اگر با خدا و هم‌عرض او، کس دیگری را بخوانید، مشرک شده‌اید. در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾؛<sup>۴</sup> پس ملاک شرک، عبادت غیر خداست. اما اگر مأذون از جانب خدا باشد، اشکالی وجود ندارد؛ در واقع ما تنها شافعین را به واسطه آبرویی که نزد خداوند دارند، واسطه بین خود و معبود قرار می‌دهیم؛ چراکه اگر ما با این دیدگاه از اولیای الهی طلب دعا و شفاعت کنیم، همچنان شفاعت منحصر در خدا بوده و مشکلی پیش نمی‌آید. از سوی دیگر، این شکل از شفاعت، با

۱. یونس، آیه ۶۴.

۲. فرساد، فاروق، شفاعت، سایت فاروق فرساد،

<http://www.farooq-farsad.blogspot.com/1390/07/28/post-5/>

۳. فرقان، آیه ۶۸.

۴. یونس، آیه ۱۸.

علم و اراده الهی نیز منافات ندارد؛ زیرا خداوند از همان ابتدا علم دارد که اولیای الهی، طلب شفاعت می‌کنند و شخص گناه‌کار پس از تحقق شفاعت، اهل بهشت خواهد شد.

#### ۴- سوگند به غیر خدا

در مسأله سوگند به غیر خدا نیز تفکر سلفیت در میان مکتب‌قرآن رواج دارد. ابن تیمیه می‌گوید: علما بر این نظر اتفاق دارند که قسم به غیر خدا منعقد نمی‌شود.<sup>۱</sup> او در جای دیگر می‌گوید: قسم خوردن به غیر خداوند مشروع نیست؛ زیرا به صورت تحریمی و یا تنزیهی نهی شده و علما در این مسأله دارای دو نظر می‌باشند؛ البته قول صحیح، نهی تحریمی می‌باشد.<sup>۲</sup>

فاروق فرساد در مورد علت شرک بودن قسم، به غیر خدا می‌گوید: وقتی یک نفر در حضور یک یا چند نفر دیگر، به خدا قسم می‌خورد، در واقع اعلام می‌کند که این کسی که من به او سوگند می‌خورم، شخص بی‌نظیر و معظمی، بین من و شماست؛ در واقع او معتقد است که آن شخص معظم، بر فعل و قول و نیتی که در جای دیگر، یا نفس من صورت گرفته، باخبر است. در این صورت، چه کسی غیر از خدا بر نفس و درون انسان‌ها خبردار است؟ چه کسی غیر از خدا از فعلی که در تنهایی انجام داده‌ایم باخبر است؟ وقتی کسی نام خدا را به دروغ آورد، مانند آن است که اعلام می‌کند، نعوذبالله خداوند از درون او بی‌خبر است. هنگامی که تو به غیر خدا قسم می‌خوری، در واقع اعلام می‌کنی که آن غیر خدا، بین تو و من به طور مشترک معظم است و همچنین آن غیر خدا، آن قدر با عظمت است که از درون تو و ماجرا خیر دارد.<sup>۳</sup>

فرساد سوگند را منحصر در امور نفسی و مخفی نموده و به همین دلیل دچار اشتباه شده است. در بسیاری از موارد، سوگند برای امور دیگری، مانند انجام کاری در آینده و... بوده و امر مخفی وجود ندارد. در سوگند به شخص نیز، نزد طرفین به عظمت آن

۱. ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم، مجموعة الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۱۷.

۳. فرساد، فاروق، سوگند، سایت فاروق فرساد، <http://www.farooq-farsad.blogspot.com/category/cat-3>



شخص بزرگ تکیه می‌شود و نیازی به اطلاع آن شخص معظم، از فعل، قول و نیت سوگند خورنده نیست؛ چراکه در روایات آمده: روزی مردی خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و پرسید: کدام صدقه اجرش عظیم‌تر است؟ آن حضرت فرمودند: به پدرت سوگند از آن آگاه می‌شوی.<sup>۱</sup>

با تفحص در بین مذاهب اسلامی نیز، پی می‌بریم که هیچ یک از مذاهب آن به صورت قطعی حکم به حرمت قسم خوردن به غیر خدا نکرده‌اند. به عنوان مثال، شیعه معتقد است که سوگند یاد نمودن به غیر خدا جایز می‌باشد. حنفی‌ها معتقدند، سوگندهایی مانند «قسم به پدرت» و «قسم به جانت» و مانند اینها مکروه است. شافعی‌ها می‌گویند: اگر سوگند به غیر خدا، نه به عنوان شریک تراشی، بلکه جهت تعظیم او باشد، مکروه است.<sup>۲</sup> ابن‌قدامة در المغنی می‌گوید: گروهی از اصحاب ما گفته‌اند که سوگند به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قسمی است که شکستن آن کفاره دارد. از احمد نقل شده است که وی گفته: هر کس به حق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوگند یاد کند و آن را بشکند، کفاره دارد.<sup>۳</sup>

## ۵- سماع موتی

یکی دیگر از مبانی مهم سلفی‌گری، در چگونگی هستی‌شناسی آنان است. سلفی‌ها منکر ارتباط بین دنیا و عالم برزخ هستند و برخلاف جمهور مسلمانان، مسائلی چون شنیدن اموات را قبول ندارند.<sup>۴</sup> مکتب‌قرآن نیز با همان استدلال سلفی‌ها، سماع موتی را نفی می‌کند.

۱. أَمَا وَأَيْكَ لَتُنَبِّأَهُ أَنْ تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَاحِبُ شَجِيحٍ شَجِيحٍ نَحْسِي الْفَقْرُ وَتَأْمَلُ الْبَقَاءَ. (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۱۶).

۲. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، ص ۳۰۹.

۳. ابن‌قدامة، عبدالله بن أحمد، المغنی، ج ۹، ص ۵۱۳.

۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۵۴.

فاروق فرساد با استناد به آیات «إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى»<sup>۱</sup> و «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ»<sup>۲</sup> منکر سماع شده است.<sup>۳</sup>

مسأله سماع موتی دلایل فراوانی داشته و جمهور اهل سنت با استناد به ادله متقن، این مسأله را پذیرفته و به دلایل منکرین، پاسخ قاطع داده‌اند. آیاتی چون صحبت کردن حضرت صالح<sup>۴</sup> و شعیب<sup>۵</sup> با قوم هلاک شده و روایات قلیب بدر،<sup>۶</sup> سلام پیامبر ﷺ خطاب به اموات،<sup>۷</sup> خفق نعال<sup>۸</sup> و... - که در کتب معتبر ذکر شده‌اند - بر سماع اموات دلالت دارند. با بررسی تاریخی مسأله سماع موتی نیز، معلوم می‌شود که حتی افرادی چون ابن تیمیه، ابن قیم و... نیز، این مسأله را پذیرفته و فقط سلفی‌های معاصر، منکر سماع هستند.

#### ۶- تقلید

یکی دیگر از مسائلی که در شباهت مکتب قرآن و سلفیت مطرح است، مسأله نفی تقلید از مذاهب فقهی است؛ در واقع مواضع نظری و عملی مفتی زاده منشأ این اشتباه شده است. او از سویی در نوارها و مکتوباتش توصیه به تقلید از مذهب شافعی کرده و از سوی دیگر، در بین آرای فقهی شافعی و کتبی وی، فتاوایی بوده که با مذهب شافعی هماهنگی نداشته و یا طبق فتوای دیگر مذاهب است. او در موضوع تقلید و اجتهاد، وظیفه خود و پیروانش را در دو بخش بیان می‌کند. او وظیفه خود را در مواردی که رأی منصوص از شافعی وجود داشته باشد، تقلید از وی می‌داند؛ اما آن طور که عوام تقلید

۱. نحل، آیه ۸۰.

۲. فاطر، آیه ۲۲.

۳. فرساد، فاروق، آیا مردگان صدای ما را می‌شنوند؟، سایت فاروق فرساد،

<http://www.farooq-farsad.blogspot.com/1390/08/02/post-15/>

۴. اعراف، آیه ۷۹.

۵. اعراف، آیه ۹۳.

۶. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۷۶.

۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۸.

۸. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۹۰.



می‌کنند، خود را یک مقلد صرف نمی‌دانند. او در این زمینه می‌گوید: در مواردی که از شافعی رأی منصوصی باشد از آن تبعیت کرده و در غیر این صورت از مشرب شافعی پیروی می‌کنم؛ اما اگر از آن طریق هم رأی دستگیرم نشد، مستقیماً از کتاب و سنت و اجماع استنباط می‌کنم؛ اما اگر تشخیصم این‌گونه باشد که نصی از شافعی، مخالف کتاب و سنت است، آن نص را ترک می‌کنم؛ چراکه أخذ آن رأی را بی‌ادبی دانسته و خود شافعی هم قبول ندارد که کسی به طور مطلق مقلد ایشان باشد. گاهی پیش می‌آید که حتی مطلبی که قریب به اتفاق فقها گفته‌اند را نمی‌پذیریم؛ چراکه آنها را با کتاب و سنت متعارض می‌دانم؛<sup>۱</sup> در واقع من به دو دلیل مقلد هستم. اول به دلیل پرهیز از تفرق و دوم به دلیل آنکه هفتاد درصد از مسائل را بررسی نکرده و نمی‌توانم رأی را مستقیماً از کتاب و سنت استنباط کنم.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که تقلید در اصطلاح فقهی به معنای پیروی از مجتهد در احکام دینی، یا عمل کردن طبق نظر و تشخیص فقهی یک مجتهد معین در احکام فروع دین (مانند نماز و حج) است؛ در واقع نظر مفتی زاده مبنی بر اینکه (اگر رأی مجتهد، مغایر با نظر من باشد، به صلاح دید خودم عمل می‌کنم)، با مفهوم تقلید مغایر بوده و در واقع اجتهاد است.

مفتی زاده معتقد بود که دین خدا در هر زمانی احتیاج به تبیین دارد؛ لذا بر لزوم اجتهاد تأکید داشت. او با تأیید مسأله مرجعیت در میان شیعیان، قائل بود که بعضی مسائل و موازین، بدون تبیین شدن، مطلوب و پسندیده خداوند نیست؛ لذا مرجعیت در همه ادیان الهی و غیر الهی امری اجتناب‌ناپذیر است؛<sup>۳</sup> بنابراین در تکلیف پیروان خود می‌گوید: در صورتی که من، رأی خاصی داشته باشم، پس از اطمینان به صحت، باید

۱. به عنوان مثال در خصوص طلاق، تیمم، نماز جمعه و... فتاوی جدید دارد.

۲. مفتی زاده، احمد، جزوه «اجتهاد» کاک احمد، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح،

<http://www.islahweb.org/node/2487>

۳. همان.

پیرو آن باشید؛<sup>۱</sup> اما الحذر الحذر، مرا بت نکنید. من همیشه نگران بوده‌ام که نظرات من ایجاد مذهب جدیدی کند و از آن طریق، دردی بر دردهای امت تفرقه زده بیافزاید. عامل اساسی اینکه تاکنون نظرات خاص خود را جمع نکرده‌ام، همین موضوع است.<sup>۲</sup>

مفتی زاده همواره از تفرق در دین گلایه کرده و وجود مذاهب مختلف را ضربه‌ای به دین و مصداق شرک دانسته است؛ در واقع او خواستار اسلام بلامذهب است. او در این زمینه می‌گوید: ساختن مذاهب از دین و تقسیم شدن به فرقه‌های مختلف، شرک است. همین است که وصف خاص خداوند را - فی الجمله - برای غیر خداوند قائل می‌شویم. هر مذهب، مجموعه‌ای از احکام خدا، و آرای غیر خدا (بزرگان مذهب) است؛ بنابراین تبعیت از هر مذهب - که مجموعه‌ای از حکم خدا و غیر خداست - مشتمل بر تبعیت از غیر خدا می‌شود. اگر کامل‌ترین صورت شرک و کفر، پذیرفتن و اطاعت از مکتبی است، که مجموعه آن از طرف غیر خدا باشد، پس تبعیت از برنامه و مذهبی که قسمتی از آن، از طرف غیر خدا باشد، صورتی غیر کامل از شرک است.<sup>۳</sup>

آنچه در واقع می‌بینیم این است که، مکتب‌قرآن نیز به شاخه‌ای از فرق دینی تبدیل شده و عملکرد آنان، حاصلی جز تفرق در دین و اختلاف بیشتر میان مسلمانان نداشته است.

## ۷- بنای بر قبور و عزاداری

یکی دیگر از مشترکات مکتب‌قرآن با سلفیت، مسأله مراسم سوگواری و بنای بر قبور می‌باشد. مفتی زاده در یکی از نامه‌هایش، این مسائل را از مصادیق بدعت دانسته است. او می‌گوید: یکی از عرفیات، مراسم عزاست که منکرات غالباً حرام رایج در آن، یکی دوتا

۱. مفتی زاده در یکی از نامه‌ها خطاب به پیروانش گفته است: من چگونه وظایفی بر شما تحمیل می‌کنم که شرط آن داشتن توانایی اجتهاد آزاد است؛ در حالی که می‌دانم ندارید؛ لذا از شما تعهد می‌گیرم که خارج از رأی پذیرفته شده این برادران، ملتزم به راجح مذهب شافعی باشید. (مفتی زاده، احمد، مجموعه نامه‌ها، نامه شماره ۲).

۲. مفتی زاده، احمد، جزوه «اجتهاد» کاک احمد، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح،

<http://www.islahweb.org/node/2487>

۳. حسامی، علی؛ شرحی بر فتوای «مقارنه» از منظر و دیدگاه علامه کاک احمد مفتی زاده، سایت نوگرا،

<http://eslahe.com/8437>



نیست. به وجود آورندگان بدعت‌ها و آداب زیان‌بار، معمولاً مستکبران و تأییدکننده‌های آنها؛ چراکه همیشه درصددند از هر حادثه‌ای، برای «ماقول» شدن<sup>۱</sup> بیشتر استفاده کنند. از ترتیب دادن سفره‌های رنگارنگ برای زنده‌ها، تا ساختن و پیراستن مقبره‌های پر زرق و برق برای مرده‌ها. عجیب‌تر اینکه برای پیشوایان بزرگوار دین هم، که تمام جهادشان، برای آزادسازی خلق فریب خورده، از زنجیر فرهنگ‌های نکبت‌بار استثماری بوده، این آداب را ضد راه خودشان، به کار می‌برند؛ مانند ساختن بارگاه‌های سراسر تجمل و زر و زیور و برگزاری مراسم چله و سالگرد و امثال اینها.<sup>۲</sup>

همچنین در سایت‌ها و کانال‌های مجازی مکتب‌قرآن، نسبت به هزینه ساخت ضریح اهل بیت علیهم‌السلام اعتراض شده است.<sup>۳</sup>

### نتیجه

جریان مکتب‌قرآن کردستان از سویی با وجود افکار سلفیت، و از سوی دیگر با رویکرد عدم تکفیر دیگران و نفی حدیث، قرائتی نو از سلفی‌گری می‌باشد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، با توجه به اینکه اهل سنت غرب کشور، دارای مذهب اشعری و گرایش به تصوّف می‌باشند؛ مکتب‌قرآن با رویکردی روشن‌گرایانه، برای مقابله با اشاعره به نفی حدیث پرداخته و برای مقابله با تصوّف، به ترویج افکار ابن‌تیمیه و سلفیت روی آورده است. نظریه جمع بین «نفی حدیث» و «سلفی‌گری»، در نوع خود بی‌سابقه است و مورد انتقاد تعداد زیادی از بزرگان و علمای اهل سنت نیز بوده است.

۱. اصطلاح کردی به معنای: جایگاه بیشتر.

۲. مفتی‌زاده، احمد، مجموعه نامه‌ها، نامه ششم.

۳. ساخت ۱۲ درب طلا برای کاظمین، کانال تلگرامی مکتب‌قرآن کردستان.

## منابع

۱. ابن ابی الحديد مدائنی، عزّالدين بن هبه الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد عبدالكريم النمري، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن أبي شيبة، عبدالله بن محمد، المصنّف في الأحاديث والآثار، تحقيق: كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم، قاعدة جلييلة في التوسّل والوسيلة، تحقيق: ربيع بن هادي عمير المدخلي، عجمان: مكتبة الفرقان، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، درء تعارض العقل والنقل، تحقيق: محمد رشاد سالم، عربستان: نشر جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق: محمد رشاد سالم، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوي، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۷. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموعة الرسائل والمسائل، تعليق: سيد محمد رشيد رضا، لجنة التراث العربي، بی جا، بی نا، بی تا.
۸. ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، المغني، قاهره: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۱۰. ابن كثير دمشقي، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بی جا، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق: علي عبدالباري عطية، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاری، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، دار طوق النجاة، بی جا، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بيهقي، أحمد بن الحسين أبوبكر، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.



۱۴. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، تحقیق: حسین سلیم أسدالدارانی، عربستان: دارالمغنی للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. سبحانی، جعفر، آیین وهاویت، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۳۶۴ش.
۱۶. سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام في زيارة خير الأنام، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، بی‌جا، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق.
۱۷. سمهودی، نورالدین أبوالحسن، وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفى، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقیق: حمد بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۹. قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیة من منح المحمدیة، قاهره: المكتبة التوفیقیة، بی‌تا.
۲۰. امینی، حسن، مجله چشم‌انداز ایران، دومین ویژه‌نامه کردستان، بی‌جا، پاییز ۱۳۸۴ش.
۲۱. مفتی‌زاده، احمد، حکومت اسلامی، تدوین: شورای مدیریت مکتب قرآن، بی‌جا، بی‌تا.
۲۲. مفتی‌زاده، احمد، درباره کردستان، انتشارات نور، بی‌جا، بی‌تا.
۲۳. نووی، أبوزکریا یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
۲۴. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.

## سایت‌ها

- 1- <http://eslahe.com>
- 2- <http://fa.maktabquran.com>
- 3- <http://maktabquran00.blogfa.com>
- 4- <http://taghribnews.com>
- 5- <http://www.aparat.com>
- 6- <http://www.islahweb.org>
- 7- <http://www.radbedah.blogfa.com>
- 8- <https://najeekurd1.wordpress.com>
- 9- [https://t.me/maktab\\_quran\\_kurdistan](https://t.me/maktab_quran_kurdistan)



- 10- [www.farooq-farsad.blogspot.com](http://www.farooq-farsad.blogspot.com)
- 11- [www.moftizade.com](http://www.moftizade.com)
- 12- <http://masnaw.cast.ir>
- 13- [www.rochne.blogfa.com](http://www.rochne.blogfa.com)



